

نیم قرن نقد عمرگرانمایه را در خدمت با مروتربیت نونهالان و تعلیم جوانان مصروف نمود
آیا این استقامت اورا بچه چیز جز عشق بمولای محبوب میتوان توجیه و تعبیر نمود .

میس شارپ در لباس پوشیدن بسیار رعایت نظافت و سادگی را مینمود . البسه او بسیار نظیف و لکن ساده و بی پیرایه بود از زینت آلات جز یک ساعت مچی و یک انگشتر اسم اعظم چیز دیگری استعمال نمیکرد . هدایائی را که برای او میآوردند اغلب می بخشید و در مقابل غیر مستقیم هدیه ارزنده تری باهداکننده هدیه میکرد . تنها چیزی که مورد علاقه او بود و در جمع آوری آن حریص مینمود کتاب بود کتب امری و غیر امری . فارسی و انگلیسی گاهی هم عربی همه را جمع آوری میکرد و مطالعه مینمود حتی در بین کتب او منطق الطیر عطار بود که گاهی مطالعه میکرد و وقتی با تعجب از او سؤال میکردم که آیا مطالب آنرا خوب درک میکند میگفت بله کاملاً .

میس شارپ عزیز با کمال دقت کتب امری را مطالعه مینمود . و منابع و مآخذ مخصوص مبارکه ای را که حضرت ولی محبوب امرالله از فارسی برای احبای غرب بانگلیسی ترجمه فرموده بودند بدست آورده بود و در ریاض داشت های خود اسم کتاب و صفحه و سطر آنرا هم ذکر کرده بود و حتی پهلوی ترجمه های انگلیسی با مداد نوشته بود کتاب فلان - صفحه فلان کافی بود مطلبی از او سؤال شود و فوراً چند کتاب امری فارسی و عربی و انگلیسی روی میز انباشته گرد و اصل مطلب را فوراً ارائه نماید و در این کار بقدری دقیق بود که عبارتی شبیه نص را هرگز عین نص قلمداد نمیکرد و اگر نص اصلی را نمی یافت در کنار عبارت نظیر آن مینوشت (چیزی شبیه این)
شیرین ترین خاطرات از میس شارپ عزیز خاطره کلاسهای نظم جهانی حضرت بهاء الله و سایر کتب امری بلسان انگلیسی بود که در آن عده از جوانان مستعد بهائی تلمذ و کسب فیض مینمودند و هر یک بموفقیت های عظیم روحانی و خدمات فائده آمیزی در اقطار جهان موفق شدند .

بطور خلاصه آنچه از مجموع دوران آشنائی با او از زوایای حافظه جمع آوری نمودم ام میس شارپ در کسوت مدیریت بینهایت برازنده و مقتدر بود و در خانواده مهربان و صمیمی در زندگی قانع و دارای قدرت عجیب تطابق با محیط و ریوش ساده و بی پیرایه در دوستی بی ریا و فداکار بود رسائل امری صریح و جدی ، در مطالعه و کسب معلومات بی اندازه مشتاق و در بخشش و عطاسخی و کریم بود و قطعاً مجموعه این سجایای حسنه با انضمام ایمان و انقطاع زاید الوصف اورا شخصیتی دوست داشتنی و مورد احترام همگان ساخته بود .

در اواخر ایام حیات عنصریش روزی تلفنی با هم صحبت میکردیم گفت فلانی من دیگر رفتنی هستم گفتم میس شارپ چون عجله نکن ما خیلی سفرها با هم رفته ایم بگذار من کارهایم را سر و صورتی بدهم و این سفر را هم با هم برویم گفت نه جونم من شوخی نمیکنم پریروز تولد من بود من هشتاد سال دارم و حس میکنم دارم تمام میشوم .

واقعا شمع وجودش که بتدریج رو خاموشی میرفت بگفته خودش تمام شد . او در این خاکدان فانی خاموش شد تا در جمع ملاء اعلی روشن گردد . لسانش از صحبت باد و ستان

بازماند تا در مصاحبت انبیاء و اولیاء شرح زندگی سراسر انقطاع خویش و آنچه را در سبیل الهی بر او وارد گشته بازگو نماید . چشمانش را از مشاهده عالم ادنی فرو بست تا بزیارت روی محبوب در جهان بالا روشن گردد این چنین از جهان ناسوت بارخی روشن و جبینی مبین بعالم ملکوت پرواز نمود و جمع دوستان را بفراق خویش مبتلاود ساز نمود . احبای عزیز الهی و در راس آنها حضرات ایادی امرالله و حضرات مشاورین قاره بشرط وفا جسد عنصری او را تا آرامگاه ابدیش مشایعت نمودند . ده ها تاج گل از طرف تشکیلات مختلفه امریه و دوستان با وفایش نثار مزار پرنوارش شد جلسات تذکری یاد بود شایسته بیاد آن آیت انقطاع و توکل منعقد گردید و احبای عزیز با شرکت خود مراتب وفاداری و محبت خویش را نسبت بآن و دیعه عزیزه یکل مبارک ابراز داشتند .

امید داریم مراتب تجرد و انقطاع و ایمان و خد متگزاریش سر مشق این ضعیف در خدمت باستان الهی گردد و روح پاکش از عالم بالا ماراد انجام وظائف روحانیه امریه معین و ظهیر گردد .

مسعود رضوی

● بانوی خدوم

مقربان درگاه پروردگار غفار است، قسمت اعظم عمر خویش را در ورازیارود یا مالوف در موطن جمال قدم در خدمت مولای عزیزش مصروف داشت و در این طریق از بسیاری از دلبستگی های این خاکدان فانی چشم پوشید و با حصر همه احیان زندگانی به کسب رضای یزدان مهربان عزت جاودان حاصل نمود . همه دوستانی که افتخار همکاری

بانوی خدوم و مخلصی که نامش میس آدلایید شارپ بود . به امر مولای عزیز حضرت ولی امرالله، در معیت والسنده نازنینش، از دنیا ی جدید به سرزمین کهنسال ایران آمد . مادر و فرزند انفاس عمر را در خدمت امر نفیس الهی در کشور مقدس ایران به سر آوردند . میس شارپ که امروز جسد عنصریش در تحت اطباق خاک آرمیده و روح پرفتوحش بر فراز افلاک جلوس